



دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و چینش‌ها

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از ابعاد سیاست خارجی تلاش و کوشش از پیش طراحی‌شده و سازمان‌یافته برای تأثیرگذاری بر برداشت‌ها، ادراکات، افکار، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها، ایستارها باورهای سایر ملت‌ها از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی و شناخت درک واقعی از فرهنگ‌های دیگر به‌منظور تأمین و توسعه منافع ملی است. این گزارش توسط محمدحسین رستگاری نوشته شده و دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۹۵ آن را منتشر کرده است.

به اعتقاد صاحب‌نظران این حوزه روابط فرهنگی قدمت چند هزارساله دارد؛ ولی می‌توان گفت تاریخ دیپلماسی فرهنگی به سبک امروزی به سال ۱۹۴۹ میلادی و با اعزام ۱۴ رایزن فرهنگی توسط دولت فرانسه به نقاط مختلف دنیا، گره می‌خورد. پس‌از آن کشورهای متعددی تمایل پیدا کردند که وارد این عرصه شوند و دیپلماسی فرهنگی را در خدمت منافع ملی خود که امنیت و اقتصاد، رکن‌های آن هستند، درآوردند. به تدریج جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی کشورها ارتقا پیدا کرد و به رکن اول و حتی مبنای سیاست خارجی آنان مبدل شد. می‌توان دیپلماسی عمومی را گفت‌وگوی دولت‌ها با دولت‌ها و دیپلماسی فرهنگی را ارتباط دولت‌ها با ملت‌ها و روابط فرهنگی را ارتباط ملت‌ها با ملت‌ها دانست. اصولاً در خدمت منافع ملی بودن، از مبناهایی است که می‌توان برای دیپلماسی فرهنگی فرض کرد، مثل آمریکا؛ اما این موضوع بر تمامی کشورها صدق نمی‌کند؛ مانند فعالیت شوری سابق که با دیپلماسی فرهنگی به دنبال تبلیغ ایدئولوژی سوسیالیستی و کمونیستی خود بود و یا عربستان که با فعالیت‌های فرهنگی‌اش به دنبال معرفی کشور عربستان سعودی، به معرفی وهابیت می‌پردازد. (ص ۲۵)

دیپلماسی فرهنگی ایالت متحده آمریکا

بروز جنگ سرد، انتقال فرهنگی را به‌عنوان یک عنصر مهم در سیاست خارجی ایالات متحده نهادینه کرد، چیزی که از آن به دیپلماسی فرهنگی تعبیر می‌شود. از طریق تبلیغات سیاسی فرهنگی، ایالات متحده سعی در ترویج سبک زندگی آمریکایی، تجلیل از ارزش‌ها و راه و رسم لیبرال دموکراسی و دفاع از سرمایه‌داری مصرفی داشت. (ص ۳۸)

برای آمریکایی‌ها اینک زمان استفاده از همه ابزارها در جنگ میان عقیده‌ها فرا رسیده است. از دیپلماسی عمومی گرفته تا عملیات جنگ روانی و استفاده و حتی سوءاستفاده از ابزارهای اطلاع‌رسانی. آمریکایی‌ها بر آن‌اند که با استفاده از همه روش‌های بالا بر رقبا و دشمنان خود پیروز شوند و برای عملیاتی کردن ایده دیپلماسی فرهنگی و جنگ رسانه‌ای خود به حربه‌ای کاملاً جدید و غیرمترعارف در عراق روی آورده‌اند و آن تهیه مقالات توسط کارشناسان آمریکایی و پرداخت پول به مطبوعات عراق برای ترجمه و نشر این مقالات بوده است. بسیاری از مهم‌ترین و حساس‌ترین سیاست‌های کلان کشوری چون آمریکا در زمینه‌های داخلی و بین‌المللی در صنعت سینمایی این کشور بازتاب و نمود داشته و اتفاقاً اثرگذاری قابل‌توجهی را نیز بر جامعه هدف خود دارد. طی سال‌های گذشته و با شدت گرفتن اختلاف‌های این کشور و متحدانش با جمهوری اسلامی ایران رفته‌رفته شاهد ظهور فیلم‌های ضد ایرانی و بعضاً ضد اسلامی در سینمای هالیوود هستیم. فیلم‌هایی چون ۳۰۰ و آرگو که با

سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجه ساخته شده و دست بر قضا با استقبال خوبی نیز در جامعه آمریکا و همچنین میان منتقدان و جشنواره‌های سینمایی جهان همراه می‌شوند. (ص ۳۹)

دغدغه‌های مقام معظم رهبری در حوزه دیپلماسی فرهنگی

صدور انقلاب و الگو شدن انقلاب اسلامی
اقتدار فرهنگی و جلوگیری از تهاجم فرهنگی
تصویرسازی صحیح از انقلاب و نظام اسلامی ایران
تکیه بر اسلام و ذخایر بومی فرهنگی
گسترش ارزش‌های اسلامی و ملی در قالب پیام‌های ارزشی مشترک
گسترش و تعمیق زبان فارسی (ص ۷۸)

مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ابزار تأمین منافع ملی از طریق ابزارهای فرهنگی روش‌های نرم‌افزاری را می‌توان دارای چهار مؤلفه اصلی دانست:

محتوای دیپلماسی در قالب سیاست‌های بین‌المللی که این هدف با شاخص‌های دینی و ارزشی مکتب تشیع گره خورده است.

ابزارهای فرهنگی و عوامل انتقال در فرآیند دیپلماسی که نوعاً نرم‌افزاری و نافذ در انسان‌ها هستند. مخاطبین دیپلماسی که جوامع و ساختارهای انسانی اعم از دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی را شامل می‌شود.

دیپلمات‌های ورزیده و متخصص فرهنگی که عامل اجرای فرآیند دیپلماسی در جوامع هدف هستند. (ص ۸۴)

نوع نگاه به دیپلماسی فرهنگی: از سوی دیگر غلبه نگاه ایدئولوژیک بر نگاه فرهنگی به‌گونه‌ای است که ما بیشتر، در این حوزه به دنبال انتقال نگاه مذهبی خود به دنیا بودیم و به همین جهت، دیگر شقوق فرهنگی مورد توجه درخور قرار نگرفته‌اند. نبود نگاه تعاملی و تبادل ارزش‌ها در دیپلماسی فرهنگی تعاملات این حوزه و حتی حوزه‌های دیگر را با کندی مواجه می‌کند. (ص ۱۱۸)

چالش مدیریتی دیپلماسی فرهنگی: تکرار مراجع سیاست‌گذاری، عدم انسجام ساختاری، عدم همگرایی بین سیاست ورزی در حوزه دیپلماسی فرهنگی از مهم‌ترین چالش‌هاست. نبود مدیریت راهبردی دیپلماسی فرهنگی به‌طوری‌که این چرخه با تعبیه سامانه‌های مناسب به صورت سیستمی عمل کند و با ساختاری منسجم و تقسیم کار ملی همه حوزه‌های بالادستی و پایین‌دستی موردنیاز را تأمین کرده و پوشش صددرصدی ایجاد کند، از الزامات رفع این چالش راهبردی است. (ص ۱۱۹)

تحریم‌های اقتصادی: بدون یک اقتصاد پویا و تأمین‌کننده منافع ملی سیاست و فرهنگ نیز دچار مشکل و ناتوانی هستند. اقتصاد موتور حرکت و تأمین‌کننده نیازهای مادی سایر بخش‌هاست. تحریم ایران که با لجاجت آمریکا از زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تا قبل از توافق برجام به بهانه‌های مختلف از جمله مباحث هسته‌ای پیگیری و وضع می‌شد، همراه با آثار مثبت آن در جهت توانمندی‌های درونی ملت آثار زیان‌بار و محدودکننده وسیعی نیز داشت که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از: ۱. تحدید منابع ارزی کشور در اوایل سال ۱۳۵۹ از جانب بعضی از کشورهای اروپایی و آمریکا ۲. افزایش هزینه‌های جنگ همراه با کاهش صدور نفت و کاهش دریافت‌های ارزی کشور ۳. گسترش مبادلات تهاتری به دلیل بلوکه شدن ذخایر ارزی، تحریم اقتصادی و جنگ ۴. اختلال در صنایع وابسته کشور که با تحریم اقتصادی صنایع وابسته کشور را به مشکلات بیشتری مواجه کرد ۵. اختلال در فروش نفت در نتیجه فشارهای سیاسی آمریکا بر جمهوری اسلامی ایران ۶. کاهش ارزش ریال به‌عنوان یکی دیگر از آثار منفی تحریم ۷. آشفتگی سیستم توزیع، افزایش احتکار و بازار به علت بروز تنگنانهایی در خرید و واردات کالا ۸. رشد منفی تولید ناشی مشکلات ناشی از جنگ و تحریم‌های اقتصادی و نبود سرمایه‌گذاری ۹. افت سرمایه‌گذاری خارجی تحت تأثیر تحریم اقتصادی آمریکا بر روی جلب سرمایه‌گذاری. (ص ۱۲۸)

متناظر با مشکلات و چالش‌های این حوزه پیشنهاد‌های خاص این پژوهش در چهار حوزه زیر ارائه می‌شود:

توجه به تحقیقات و فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده
رفع کمبود محتوا و خوراک دیپلماسی فرهنگی
رفع مشکل تخصص و کارآمدی عوامل اجرا
استقرار مدیریتی منسجم در دیپلماسی فرهنگی کشور (ص ۱۵۱)